

**ویژگی‌های شکلی مورد انتظار از مواد و احکام
لایحه برنامه‌های توسعه پنج‌ساله کشور با استفاده از
تجربه برنامه ششم توسعه**

زهرا ذاکری،^۱ سیدمهدی بنی‌طبا،^۲ سیدمحسن علوی‌منش،^۲
محمد برزگر خسروی،^۳ امیرحسین بامتی طوسی^۳

مقدمه

معاونت پژوهش‌های
اقتصادی

مشخصات گزارش

شماره مسلسل:
۲۲۰۱۹۰۱۱

تاریخ انتشار:
۱۴۰۲/۳/۲۷



بی‌تردید برنامه‌ریزی و تدوین بایسته سند برنامه توسعه یکی از مهم‌ترین ابزارهای نظام تدبیر به‌منظور اداره خردورزانه امور و اجتناب از رفتارهای ناهماهنگ، متعارض، سلیقه‌ای و فاقد مبناست. از سوی دیگر به‌نظر می‌رسد در صورتی که نظام برنامه‌ریزی با همین سطح موجود به یک سلسله از اصول پایه و راهگشای حداقلی پایبندی نشان دهد، می‌تواند به پیشبرد امور برنامه در کشور کمک کند. بنابراین انتظار می‌رود دولت محترم به‌عنوان رکن تدوین‌کننده برنامه، احکام لایحه را به گونه‌ای تدوین کند که از ویژگی‌های برنامه‌ای برخوردار باشند و مجلس محترم نیز در فرایند تصویب قانون به این اصول پایبند بماند.

تهیه مؤلفه‌های مناسب جهت بررسی مواد لایحه برنامه و یا ارائه پیشنهاد ماده الحاقی یکی از ضرورت‌های اساسی در نظام برنامه‌ریزی کشور است. در این راستا مبتنی بر دستاوردهای گزارش مستندسازی تجربه تدوین و تصویب برنامه ششم توسعه، ویژگی‌های زیر برای احکام برنامه شناسایی شده است:

- قابلیت اجرا و اثربخشی در طول دوران برنامه؛
- ماهیت میان‌مدت احکام برنامه و دائمی نبودن احکام پیشنهادی؛
- عدم ارائه احکام غیرضرور در قالب تکرار قوانین موجود و بیان مسائل بدیهی؛
- عدم نقض اصل (۸۵) قانون اساسی یا ابهام؛
- داشتن اهداف کمی قابل ارزیابی به‌همراه راهبرد مشخص برای تحقق آنها؛
- مشخص بودن دستگاه مسئول.
- برخورداری از زمان‌بندی تعیین شده جهت اجرا؛
- وجود ماهیت تکلیفی و عدم اکتفا به مواد ارشادی.

بنابراین انتظار می‌رود احکام لایحه پیشنهادی دولت محترم برای برنامه هفتم توسعه و احکام الحاقی احتمالی نمایندگان محترم مجلس در کمیسیون‌های تخصصی از ویژگی‌های فوق‌الذکر برخوردار باشند.

۱. تهیه و تدوین.
۲. ناظران علمی.
۳. اظهارنظرکنندگان.

گفتنی است این گزارش در مقام بیان حداقل انتظارات شکلی از احکام برنامه بوده و منافی سایر شرایط لازم برای حکم قانونی مطلوب در برنامه توسعه کشور نیست، چه آنکه مهم‌ترین شرط لازم برای یک حکم برنامه‌ای آن است که مبتنی بر آسیب‌شناسی دقیق از علت توسعه‌نیافتگی هر بخش، راهبردی عملی را برای حل یکی از چالش‌های اولویت‌دار کشور تجویز کند.

در مطالعه حاضر منطق ویژگی‌های مورد انتظار از احکام لایحه برنامه‌های توسعه تبیین شده و در نهایت کاربرد ارزیابی احکام مربوطه ارائه خواهد شد. همچنین در این مطالعه با استفاده از تجربه برنامه ششم توسعه و آسیب‌شناسی صورت گرفته در ارتباط با روندهای طی شده پیرامون تدوین و تصویب برنامه، مؤلفه‌ها و ویژگی‌هایی جهت به‌کارگیری در فرایند تدوین و تصویب احکام لایحه برنامه هفتم توسعه ارائه شده است.

۱. قابلیت اجرا و اثربخشی در طول دوران برنامه

بی‌تردید احکام لایحه برنامه باید قابلیت اجرا شدن در دوره مورد نظر را داشته باشند. همچنین ضروریست مواد پیشنهادی با منابع، ظرفیت‌ها و محدودیت‌های کشور متناسب باشند. در این ارتباط بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری مؤید این نکته بوده و بر «قابل اجرا بودن قانون و قابل سنجش بودن اجرای آن» تأکید کرده است.

براساس گزارش «ارزیابی عملکرد قانون برنامه ششم توسعه» میزان تحقق برنامه ششم توسعه حدود ۹ درصد بوده است (حسین‌زاده و همکاران، ۱۴۰۱). به عبارت دیگر عدم تناسب اهداف برنامه ششم با ظرفیت‌ها و منابع کشور و نادیده گرفتن محدودیت‌های موجود، باعث بی‌اثر شدن برنامه ششم شد.

جدول زیر تحقق برخی از اهداف کمی قانون برنامه ششم توسعه را به نمایش گذاشته است:

جدول ۱. میزان تحقق برخی از اهداف کمی قانون برنامه ششم

ردیف	موضوع	هدف در قانون برنامه ششم	میزان تحقق در طی برنامه ششم توسعه
۱	رشد اقتصادی	۸ درصد	متوسط رشد سالیانه تا سال ۱۴۰۰ برابر با منفی ۰.۵ درصد بوده است.
۲	رشد تشکیل سرمایه ناخالص سرمایه‌گذاری	۲۱.۴	متوسط رشد سالیانه تا سال ۱۴۰۰ برابر با منفی ۵ درصد بوده است.
۳	رشد اشتغال	۳.۴	میانگین رشد اشتغال کشور تا سال ۱۴۰۰ حدود ۰.۸ درصد بوده است.
۴	متوسط نرخ تورم	۸.۸	متوسط نرخ تورم تا سال ۱۴۰۰ براساس اعلام بانک مرکزی ۳۵.۵ درصد و براساس اعلام مرکز آمار ایران ۲۶.۶ درصد بوده است.
۵	رشد بهره‌وری کل عوامل تولید	۲.۸	متوسط رشد سالیانه تا سال ۱۳۹۹ معادل منفی ۰.۸ درصد بوده است.
۶	متوسط رشد نقدینگی	۱۷	متوسط رشد نقدینگی تا سال ۱۴۰۰ حدود ۳۰ درصد بوده است.
۷	متوسط رشد صادرات غیرنفتی	۲۱.۷	متوسط رشد سالیانه تا سال ۱۴۰۰ معادل ۴ درصد بوده است.

مأخذ: براساس قانون برنامه ششم توسعه و گزارش ارزیابی عملکرد قانون برنامه ششم توسعه به شماره مسلسل: ۱۸۳۰۹.

همان‌طور که مشاهده می‌شود برخی از مهم‌ترین اهداف کمی برنامه ششم محقق نشده‌اند و در اغلب موارد از هدف برآورد شده بسیار دور هستند. باتوجه به اینکه تاکنون تحلیل آسیب‌شناسانه‌ای از سوی دولت و سازمان برنامه و بودجه کشور مبنی بر واکاوی علل عدم تحقق اهداف برنامه ششم ارائه نشده است، تکرار آنها در برنامه هفتم نیز نمی‌تواند موجبات اثربخشی و تحقق را فراهم آورد و ادامه این روند می‌تواند کارکرد برنامه‌های توسعه را از مهم‌ترین رکن نظام تدبیر به الزام شکلی به یک وظیفه قانونی تقلیل دهد.

۲. ماهیت میان‌مدت احکام برنامه و دائمی نبودن احکام پیشنهادی

یکی از آسیب‌های برنامه‌های توسعه در ایران که در مورد قوانین بودجه سنواتی نیز وجود دارد آن است که به دلیل ماهیت چندبخشی برنامه، همه دستگاه‌های اجرایی احکام قانونی مورد نیاز خود را در آن مطرح می‌کنند که این مسئله موجب اختلال در نظم قانونگذاری کشور و تشتت قوانین می‌شود. تدوین «قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت و قوانین الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی ۱ و ۲» برای رهایی از تبصره‌های غیرمرتبط با بودجه در قوانین بودجه و «قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور» برای رهایی از احکام غیرمرتبط با برنامه که فاقد ماهیت برنامه‌ای هستند، تدوین و تصویب شده‌اند ولی همچنان این روند ادامه دارد. برای رهایی از این آسیب، ضرورت دارد ماهیت دائمی و یا موقت بودن پیشنهاد مطرح شده در متن ماده بررسی و در صورتی که ماهیت موضوع مطرح شده پس از اتمام دوره پنج‌ساله برنامه توسعه همچنان موضوعیت داشت، از طریق احکام دائمی به آن مسئله توجه و از لایحه برنامه توسعه میان‌مدت حذف شود.

در این راستا می‌توان به بند «۹» سیاست‌های کلی قانونگذاری ابلاغی سال ۱۳۹۸ که بر «رعایت اصول قانونگذاری و قانون‌نویسی و تعیین سازوکار برای انطباق لوایح و طرح‌های قانونی» تأکید دارد و بند «۳» ماده (۱۳۱) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی که اشعار می‌دارد: «لوایح قانونی که از طرف دولت به مجلس پیشنهاد می‌شود، باید دارای موادی متناسب با اصل موضوع و عنوان لایحه باشد»، اشاره کرد.

بررسی احکام ارائه شده در لایحه برنامه ششم توسعه نشان می‌دهد بالغ بر ۶۶ درصد احکام ماهیت دائمی داشته‌اند (تهرانی و همکاران، ۱۳۹۴). گفتنی است حتی در خصوص احکامی که ماهیت برنامه‌ای و میان‌مدت دارند، لازم است گام‌های در نظر گرفته شده برای پیشبرد موضوع در قانون برنامه طراحی و تصویب شود تا امکان نظارت در حین برنامه نیز فراهم شود.

۳. عدم ارائه احکام غیر ضرور در قالب تکرار قوانین موجود و بیان مسائل بدیهی که نیاز به تصویب قانون ندارد

بررسی تجربه برنامه ششم توسعه نشان می‌دهد برخی از احکام ارائه شده در لوایح برنامه، در قوانین دائمی کشور جاری هستند اما به دلیل عدم تأمین مالی، قوانین مذکور مجدداً از سوی دستگاه‌های مربوطه در لایحه برنامه قرار می‌گیرند تا در زمان تدوین بودجه قدرت چانه‌زنی آنها را افزایش دهد. این در حالیست که تکرار قوانین موجود یا اصلاح احکام جاری کشور به وسیله لوایح برنامه‌های توسعه و لوایح بودجه، خلاف اصول قانون‌نویسی و قانونگذاری است. زیرا علاوه بر مغایرت با ماهیت لایحه برنامه، اصل شفافیت و عدم ابهام قوانین و مقررات را نیز مخدوش خواهد کرد و درنهایت منجر به هرج‌ومرج در نظام حقوقی کشور خواهد شد. جزءهای «۲» و «۳» بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری ابلاغی سال ۱۳۹۸ نیز مؤید این نکته است.

همچنین در برخی موارد نیز مشاهده می‌شود در احکام برنامه به برخی موضوعات بدیهی اشاره شده که جزو وظایف قانونی دستگاه‌ها بوده و نیازی به طرح در لایحه برنامه و تبدیل شدن به قانون را ندارند.

از جمله این موارد در برنامه ششم توسعه می‌توان به تکرار «احکام مرتبط با ایثارگران در قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران» در بخش ۱۶ قانون یا به بند «الف» ماده (۱۰۵) که بر «طراحی و اجرای اقدامات دیپلماتیک در جهت تحقق اصول مربوطه قانون اساسی» تأکید دارد، اشاره کرد.

۴. عدم نقض اصل (۸۵) قانون اساسی یا عدم ابهام

براساس اصل (۸۵) قانون اساسی کشور مجلس نمی‌تواند اختیار قانونگذاری را به شخص یا هیئتی واگذار کند. ذکر عبارت‌هایی مانند «اصلاحات لازم»، «هر گونه مداخله» و ... یا ذکر تنها عنوان برنامه بدون مشخص بودن محتوای دقیق آن، موجب ابهام شده و مخالف اصل (۸۵) قانون اساسی و شأن مجلس در تصویب آن است.

به‌عنوان مثال جزء «۱» بند «چ» ماده (۸۰) قانون برنامه ششم توسعه به تدوین و اجرای «برنامه تأمین مسکن اجتماعی و حمایتی» اشاره داشت، بدون آنکه ماهیت مشخصی تبیین شده باشد.^۱

۵. داشتن اهداف مشخص (حتی‌الامکان کمی) با قابلیت ارزیابی همراه با راهبرد تحقق آنها

متن مواد و احکام لایحه برنامه توسعه باید دارای اهداف مشخص (حتی‌الامکان کمی) ترجیحاً به تفکیک سال‌های برنامه و با قابلیت ارزیابی باشند. در غیر این صورت حتی اگر ماده مورد بحث به تصویب هم برسد، عملاً کارکردی نخواهند داشت و در طول اجرای قانون برنامه امکان ارزیابی تحقق یا عدم تحقق آن وجود ندارد.

علاوه بر ضرورت ذکر اهداف برای هر یک از احکام، کلیت برنامه هم نیازمند اهداف کمی است تا بتواند به‌خوبی چشم‌انداز آینده کشور را ترسیم کند. برای تحقق این امر در برنامه ششم توسعه، با پیگیری‌ها و اقدامات نظارتی مجلس و مرکز پژوهش‌ها، چهار جدول نخست مرتبط با شاخص‌های کمی قانون با مشخصات زیر به تصویب رسید که امکان نظارت و ارزیابی را در طول سال‌های اجرای برنامه فراهم می‌آورد.

- جدول ۱: تصویر شاخص‌های مهم اقتصاد کلان در برنامه ششم شامل: تولید ناخالص داخلی، تولید سرانه، بهره‌وری کل عوامل تولید، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، هزینه‌های مصرفی کل، صادرات غیرنفتی کالا و خدمات (بدون میعانات گازی)، واردات کل، نقدینگی، نرخ تورم و نرخ بیکاری؛

- جدول ۲: تصویر متغیرهای اقتصادی بخش‌های اقتصادی در دوره برنامه ششم شامل: متوسط رشد سالیانه ارزش افزوده، متوسط رشد سالیانه اشتغال، متوسط رشد سالیانه سرمایه‌گذاری، متوسط رشد سالیانه بهره‌وری کل عوامل تولید؛

- جدول ۳: منابع مالی سالیانه سرمایه‌گذاری برنامه ششم به تفکیک روش‌های مختلف تأمین شامل: تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، تسهیلات بانکی برای سرمایه‌گذاری، صندوق توسعه ملی، بازار سرمایه، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی، آورده اشخاص، تأمین مالی و سرمایه‌گذاری خارجی و کل منابع تأمین مالی برنامه ششم؛

- جدول ۴: برآورد منابع و مصارف عمومی دولت در طی سال‌های برنامه ششم توسعه.

۱. در لایحه برنامه پنج‌ساله ششم توسعه، از جمله مواردی را که شورای نگهبان مغایر اصل (۸۵) دانست به شرح ذیل است:
۱. بند «ب» ماده (۵۱)، اطلاق «ضوابط» در مواردی که مستلزم قانونگذاری است.
۲. بند «۱۲» ماده (۱۲۰)، زیرا برای تخصیص ضوابطی در نظر گرفته نشده است.

به منظور شفافیت و ارتقای اثربخشی برنامه‌های توسعه، انتظار می‌رود دولت محترم جداول فوق را در لایحه برنامه هفتم توسعه ارائه دهد.

همچنین ضروریست راهبرد اجرایی شدن و تحقق اهداف کمی ارائه شده در لایحه برنامه مشخص باشد تا مسائلی نظیر عدم تعیین تکلیف انتخاب‌ها و موکول کردن تصمیمات به آینده حادث نشود. در زمینه نداشتن راهبرد در احکام که عملاً اصلی‌ترین وظیفه و فلسفه هر حکم برنامه‌ای بوده و فقدان آن برنامه را فاقد ماهیت می‌کند می‌توان به عنوان نمونه به حکم «کنترل و کاهش میانگین سن ازدواج» در بند «الف» ماده (۱۰۲) قانون برنامه ششم توسعه اشاره کرد که برای آن به درستی هدف کمی (به میزان ده درصد (۱۰٪) نسبت به سال پایه) در نظر گرفته شده بود اما در زمینه استراتژی نیل به آن تنها به عبارت «زمینه‌سازی» اشاره شده است.

۶. مشخص بودن دستگاه مسئول

در لایحه برنامه توسعه نیز مانند همه قوانین باید دستگاه یا نهادهای مسئول اجرای تعهد حکم، کاملاً شفاف بیان شده باشد. مستند این امر بندهای «۱۳» و «۱۸» سیاست‌های کلی نظام اداری و بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است. بنابراین عباراتی نظیر دولت مکلف است مبهم بوده و مسئولیتی برای دستگاه مشخصی ایجاد نخواهند کرد و عملاً فرایند نظارت در طول سال‌های اجرای برنامه را خدشه‌دار خواهد کرد یا حداقل زمانی را تا تعیین دستگاه مشخص از برنامه می‌کاهد.

بررسی احکام لایحه برنامه ششم توسعه نشان می‌دهد تنها در ۴۴ درصد از احکام، دستگاه‌های مسئول مشخص شده و مابقی احکام یا دارای دستگاه مسئول نیستند یا به صورت مبهم از عبارت «دولت» و «دستگاه اجرایی» نام برده شده است (تهرانی و همکاران، ۱۳۹۴).

۷. برخورداری از زمان‌بندی مشخص جهت اجرا

ضروریست در احکام برنامه زمان مورد نیاز جهت تحقق حکم پیشنهادی تبیین شود. به عبارت دیگر باید مشخص باشد چه بخشی از اهداف حکم در هر سال از اجرای قانون برنامه محقق خواهد شد. در صورت عدم توجه به این مهم احتمال دارد دستگاه‌های اجرایی با توسل به این بهانه که تا پایان دوره برنامه فرصت اقدام خواهند داشت، از پاسخگویی به نهادهای نظارتی استنکاف کنند. بررسی لایحه برنامه ششم از منظر وجود یا عدم وجود ویژگی زمان‌بندی نشان می‌دهد در اکثر مواد و بندها، صرفاً زمان‌بندی، معطوف به تدوین آیین‌نامه توسط دستگاه‌های اجرایی است و زمان‌بندی‌های ناظر به عملکرد به ندرت یافت می‌شود. همچنین در بعضی مواد که دستگاه‌های اجرایی موظف به تدوین آیین‌نامه شده‌اند نیز، زمان‌بندی مشخصی برای تدوین آیین‌نامه‌های مذکور ارائه نشده است (ذاکری و همکاران، ۱۳۹۴).

۸. وجود ماهیت تکلیفی و عدم اکتفا به مواد ارشادی

احکام لایحه برنامه توسعه باید ماهیت تکلیفی داشته باشند زیرا اکتفا به ارشاد هیچ‌گونه الزامی برای اجرا به همراه نخواهد داشت و عملاً احکام ارشادی نظارت‌پذیر نیز نخواهند بود. بررسی لایحه برنامه ششم توسعه حکایت از آن دارد که حدود ۶۴ درصد از احکام ماهیت «تکلیف» داشته‌اند، در ۲۴ درصد از احکام دولت یا دستگاه‌های مسئول مجاز به انجام کاری شده‌اند که عموماً قبل

از تصویب قانون برنامه هم برای آن اقدام منعی وجود نداشته و وضعیت ۴ درصد احکام مورد بررسی از منظر تکلیف یا اجازه، نامشخص ارزیابی شده است.

جمع‌بندی و پیشنهادها

براساس بررسی‌های انجام شده به نظر می‌رسد بسیاری از احکام قانون برنامه ششم توسعه فاقد ویژگی‌های مورد انتظار از احکام قانون برنامه بوده است. بنابراین باتوجه به تجربه برنامه ششم و به‌منظور ارتقای فرایند تدوین و تصویب برنامه هفتم توسعه و با هدف افزایش کیفیت و اثربخشی برنامه یاد شده در مطالعه حاضر ویژگی‌های مورد انتظار از احکام برنامه‌های توسعه تبیین شد.

اکنون در آستانه برنامه هفتم توسعه انتظار می‌رود دولت محترم ضمن درک صحیح از موقعیت خطیر کشور و نقش بنیادین برنامه‌های توسعه در حل‌وفصل بحران‌ها و بهبود شاخص‌های توسعه‌ای کشور، به وظیفه خود در تدوین لایحه برنامه توسعه کشور مبتنی بر آنچه در قوانین مربوطه تصریح شده پایبند باشد و نسبت به تدوین لایحه‌ای باکیفیت اقدام کند. در این زمینه، ضروریست لایحه پیشنهادی دولت به‌عنوان یک لایحه مطلوب از ویژگی‌های شکلی حداقلی تبیین شده در گزارش حاضر برخوردار باشد. ازسوی دیگر ضرورت دارد نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی نیز ضمن اشراف به اهمیت نقش نظارتی خویش در ارتباط با ترسیم مسیر توسعه کشور در سال‌های آتی، در راستای رعایت ویژگی‌های برنامه‌ای احکام پیشنهادی، تلاش حداکثری کنند.

جدول ۲. کاربرد بررسی احکام لایحه برنامه توسعه هفتم و احکام الحاقی

ماده	داشتن ماهیت موقت (دوره ۵ساله) و نه دائمی	عدم ارائه احکام غیر ضرور (تکرار قوانین موجود و بیان مسائل)	عدم واگذاری وظیفه قانون‌گذاری نمایندگان مجلس به غیر	داشتن اهداف کمی، قابلیت ارزیابی و استراتژی	مشخص بودن دستگاه مسئول	برخوردار بودن از زمان‌بندی مشخص	وجود ماهیت تکلیفی و عدم اکتفا به مواد ارشادی	قابلیت اجرا و اثربخشی در طول دوران برنامه	وضعیت
۱	×	×	×	×	×	×	×	×	رد
۲	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	تصویب
۳	✓	✓	✓	×	×	✓	✓	×	اصلاح
۴	✓	✓	✓	✓	✓	×	×	✓	اصلاح

مأخذ: براساس گزارش مستندسازی و بررسی تجربه تدوین و تصویب برنامه ششم، شماره مسلسل: ۱۷۹۹۴.

اگرچه داشتن تمامی ویژگی‌های جدول فوق برای احکام برنامه‌های توسعه از ضرورت بالایی برخوردار است، اما در صورتی که احکام ارائه شده دارای بخش قابل توجهی از ویژگی‌های پیش‌گفته باشند، می‌توان فرایند اصلاح را در دستور کار قرار داد. برای مثال در صورتی که حکم ارائه شده ویژگی‌های اثربخشی در حل‌وفصل بحران‌های پیش‌روی کشور را داشته اما در قوانین دائمی قابل پیگیری باشد، می‌توان برشی پنج‌ساله از حکم دائمی مورد بحث را با داشتن هدف قابل تحقق در دوره پنج ساله و به‌عنوان دوره آزمایش (مانند قوانین تصویبی در قالب اصل (۸۵)) به‌عنوان حکم برنامه‌ای در نظر گرفت.

به‌طور کلی می‌توان گفت در گام نخست ضروریست احکام لایحه پیشنهادی و مواد الحاقی از ویژگی‌های مورد انتظار احکام برنامه‌های توسعه برخوردار باشند و در گام بعد مواردی که دارای اغلب ویژگی‌های مذکور باشند جهت بررسی محتوایی در دستور کار کمیسیون‌های تخصصی قرار گرفته و در صورت تأیید، نهایتاً به تصویب مجلس شورای اسلامی برسند.

منابع و مآخذ

۱. تهرانی، ایمان، حسین رجب‌پور، زهرا ذاکری، مهدی رزم‌آهنگ، بررسی لایحه احکام مورد نیاز اجرای برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۹-۱۳۹۵). ۳. واکاوی اهداف، اقدامات و دستگاه‌های مسئول، شماره مسلسل: ۱۴۷۲۰، ۱۳۹۴.
۲. حسین‌زاده لنج‌آبادی، توفیق و سیدجعفر حسینی، ارزیابی عملکرد قانون برنامه ششم توسعه و قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور (ویرایش اول)، شماره مسلسل: ۱۸۳۰۹، ۱۴۰۱.
۳. ذاکری، زهرا و ایمان تهرانی، مهدی رزم‌آهنگ و حسین رجب‌پور، بررسی لایحه احکام مورد نیاز اجرای برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۲. ارزیابی اجمالی، شماره مسلسل: ۱۴۶۸۱، ۱۳۹۴.
۴. ذاکری، زهرا و مجتبی، اسفندیاری و امید، مرادی و محمد، عطایی. مستندسازی و بررسی تجربه تدوین و تصویب برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶): از سیاست‌های کلی تا قانون برنامه در مجلس نهم و دهم، شماره مسلسل: ۱۷۹۹۴، ۱۴۰۰.